

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱

صص ۹۱-۱۱۷

بررسی و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیک عادی سازی روابط ترکیه - ارمنستان

علی ولیقلی زاده* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
کاظم ذوقی بارانی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۳۰

چکیده

در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی و مطالعه تاریخی روابط ترکیه-ارمنستان، روند عادی سازی روابط و نیز مطالعه مهمترین عوامل تأثیرگذار در مناسبات بین دو کشور، پیامدهای سیاسی-اقتصادی عادی سازی روابط ترکیه-ارمنستان در گستره منطقه از دید ژئوپلیتیک مورد تحلیل واقع شود. با توجه به نتایج این تحقیق، بهبود مناسبات ترکیه با ارمنستان تنها در صورتی برای ترکیه مفید خواهد بود که در عادی سازی روابط منافع ملی دیگر کشورهای منطقه نیز لحاظ شود. به عبارتی، نادیده گرفتن منافع دیگر کشورهای منطقه در مسیر عادی سازی روابط طرفین با از دست رفتن منافع ترکیه در مناسبات آن با آذربایجان و گرجستان همراه خواهد بود. از دید قدرت های صاحب نفوذ در منطقه نیز پیامدهای احتمالی بهبود روابط ترکیه-ارمنستان با پیچیدگی های خاص خود همراه است. با بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان شاید شاهد نوعی توازن نفوذ در بین قدرت های ذی نفع در منطقه باشیم.

واژه های کلیدی: ترکیه، ارمنستان، عادی سازی روابط، ژئوپلیتیک.

۱- مقدمه

اگرچه بعد از تشکیل ترکیه جدید، روابط این کشور با دولتهای مجاور همواره ماهیت سینوسی داشته است. اما، ضعف در روابط ترکیه با ارمنستان کاملاً محسوس بوده یا هیچ مناسبتی بین طرفین برقرار نبوده است. ترکیه همزمان با اشغال قره‌باغ توسط ارمنی‌ها، مرزهای هوایی و زمینی خود را به روی ارمنستان بسته (Demirağ, 2005-2006: 75) و از آن زمان مسئله قره‌باغ نقش تعیین کننده‌ای در مناسبات ترکیه با ارمنستان ایفا می‌کند. همچنین، هنوز ارمنستان معاهده قارص (قرارداد تعیین خط مرزی بین طرفین) را به رسمیت نمی‌شناسد و ادعاهای سرزمینی ارمنی‌ها نسبت به بخش بزرگی از آناتولی شرقی در بین عمده مسائل تأثیرگذار بر روابط طرفین مطرح است. به علاوه، عامل مهم دیگر در تضعیف مناسبات طرفین تبلیغ گسترده موضوع «نسل‌کشی» ارمنی‌ها توسط دیاسپورا در حوزه بین‌الملل است که به لحاظ سیاسی و اقتصادی ترکیه را آماج فشارهای بین‌المللی قرار داده است (Çandar, 2009). حال، با توجه به تبعات سیاسی - ژئوپلیتیکی این ارتباط خصومت‌آمیز، گویا طرفین پس از سال‌ها کشمکش و جنجال تصمیم دارند با عادی‌سازی روابط دوجانبه دور تازه‌ای از همکاری‌های جمعی در قفقاز جنوبی را رقم بزنند.

در واقع، با توجه به اختلافات بین ترکیه - ارمنستان و نیز شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر قفقاز جنوبی بویژه مشکلات ژئوپلیتیکی ارمنستان با آذربایجان و انزوای ژئوپلیتیکی ارمنستان به وسیله آذربایجان و ترکیه که بیشتر تحت تأثیر شکل و موقعیت جغرافیایی نامناسب ارمنستان (ارمنستان بیشترین خطوط مرزی را با آذربایجان و ترکیه داراست) قرار دارد، اهمیت راهبردی منطقه در معادلات ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ، بویژه موقعیت انتقالی و مواصلاتی منطقه در زمینه ژئوپلیتیک انرژی و تبادلات تجاری - اقتصادی و از همه مهمتر موضوع امنیت منطقه که تمام واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است، طبیعی است که افزایش روزافزون اهمیت قفقاز جنوبی لزوم بازبینی در روابط ترکیه - ارمنستان را در پی داشته باشد. در همین راستا، در این مقاله، سعی شده است پیامدهای عادی‌سازی روابط ترکیه - ارمنستان از دید ژئوپلیتیک مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین، سؤال اصلی این مقاله، این است که

عادی‌سازی روابط ترکیه-ارمنستان با چه نوع پیامدهای ژئوپلیتیکی احتمالی در منطقه همراه خواهد بود؟

۲- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و تمام یافته‌های آن محصول منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. در این تحقیق سعی شده است، ضمن بررسی و مطالعه روابط ترکیه-ارمنستان در گذشته و دوران معاصر، بررسی روند عادی‌سازی مناسبات و نیز مطالعه مهمترین عوامل تأثیرگذار در مناسبات بین طرفین، پیامدهای سیاسی-اقتصادی عادی‌سازی روابط ترکیه-ارمنستان از دید ژئوپلیتیکی مورد تحلیل قرار بگیرد. شایان ذکر است، در تحلیل مناسبات تجاری ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی، به دلیل عدم دسترسی به منابع جدید، تحلیل فوق بر اساس داده‌های آماری سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ می‌باشد که این آمار از سایت سازمان ملل گرفته شده است.

۳- مبانی نظری

از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرایند تحقیق بر نظامی منطقی و در روند تحلیل بر بهره‌گیری از فعالیت‌هایی استوار است که در طول زمان در ارتباط با مفهوم قدرت آثار خود را در صحنه سیاسی محیط جغرافیایی بر جا نهاده‌اند. از این رو، می‌توان از تحلیل ژئوپلیتیک مناطق و حوزه‌های نقش‌آفرینی بازیگران به‌عنوان ابزار مناسبی در اتخاذ سیاست‌های عملی دولت‌ها یاد کرد (Dadandish, 2007: 77-8). البته، وجه کاربردی ژئوپلیتیک ناظر بر کاربرد معرفت علمی ژئوپلیتیک در راستای رفع نیازهای جوامع بشری است که همانند دیگر گزاره‌ها و نظریه‌های معماری شده تا حد زیادی تابع جهان‌بینی، ایدئولوژی، نگرش و علایق کاربران می‌باشد (Hafeznia, 2007: 1). کاربرد عملی ژئوپلیتیک یا به‌عبارتی احساس‌گریزی امکانات ژئوپلیتیک و درک تأثیر عمیق آن بر توسعه سیاسی از تاریخ طولانی برخوردار است. در حقیقت، این بینش ژئوپلیتیکی بود که شهامت را در نزد رهبرانی که هدایت مردم را در

طول مسیری که قبلاً هرگز طی نکرده بودند، ایجاد نمود و بدین گونه کشورهای قدرتمند جدید نمایان شدند که خالقان آنها با حساسیت به جای رهبران سیاسی شان نیازهای ضروری ژئوپلیتیک زمان را به خوبی درک کردند. یعنی تنها ژئوپلیتیک می‌تواند به رهبران سیاسی بصیرت لازم را برای شناخت نیازهای واقعی برای درک درست جهان بدهد و به آنها اجازه دهد که خود را مطرح نمایند. این علم، ارتباط سیاست با جغرافیا را برقرار می‌کند. و سیاست‌ها را از نظریه‌های بی‌حاصل و عبارات بی‌معنی، که ممکن است رهبران سیاسی را در محاصره آرمان‌های بی‌فایده و غیر واقعی گرفتار سازد، رها می‌کند. ژئوپلیتیک رهبران را قانع می‌کند که به سرزمین متحد و یکپارچه توجه کنند (Ó Tuathail & Others, 2001: 91-2). بنابراین، برخلاف ژئوپلیتیک سنتی، ژئوپلیتیک جدید می‌تواند برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی و برقراری صلح مفید باشد. ژئوپلیتیک جدید بر تکامل جهان سیاسی به‌عنوان سیستم به‌هم پیوسته‌ای در مقیاس‌های مختلف، از سطح محلی تا ملی و فراملی تأکید و تمرکز دارد و کنش متقابل فضایی و فرایندهای سیاسی در تمامی سطوح (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) سیستم ژئوپلیتیکی بین‌المللی را قالب‌ریزی و ایجاد می‌نماید (Cohen, 1994: 17).

۵- یافته‌های تحقیق

روابط ترکیه - ارمنستان و روند عادی‌سازی مناسبات دوجانبه

اگرچه ارمنستان که در بین کشورهای همسایه ترکیه ضعیف‌ترین روابط را با این کشور دارد، اما ترکیه از جمله نخستین دولت‌هایی بود که در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ با شناسایی استقلال ارمنستان، حتی از ارسال کمک‌های ضروری به این کشور نپوا دریع نکرد (Demirağ, 2005-74: 2006). ترکیه می‌خواست همزمان با تقویت روابط با ارمنستان، ضمن برقراری ارتباط مستقیم با آسیای مرکزی از طریق خاک ارمنستان - آذربایجان، از فشارهای جریان دیاسپورا در عرصه بین‌الملل علیه خود بکاهد. همچنین، ترکیه می‌خواست از این طریق با خارج کردن ارمنستان از حوزه نفوذ روس‌ها، گام‌های جدی در راستای حل بحران قره‌باغ بردارد (Özbay, 2011: 3).

در این بین، دولت پتروسیان اولین رئیس جمهور ارمنستان هم در سال‌های نخست استقلال ارمنستان کاملاً از تقویت مناسبات بین ارمنستان- ترکیه، به‌عنوان بهترین انتخاب برای برقراری ارتباط مستقیم با جهان غرب و توسعه اقتصادی کشور حمایت می‌کرد (Güngör, 2008: 18). پتروسیان در تقابل با رویکردهای منفی در ارمنستان در معرفی ترکها به‌عنوان بزرگترین دشمن ارمنی‌ها و نیز تعصبات تاریخی بی‌جا و تلاش‌های زیادی را به‌کار گرفت. وی معتقد بود: «هرگز نمی‌توان گذشته را فراموش کرد، با این حال با چنین گذشته‌ای هم نمی‌توان به زندگی ادامه داد. بایستی آینده خوبی را برای فرزندانمان تدارک ببینم» (International Crisis Group, 2009: 2).

در آن برهه زمانی، به‌رغم حسنه‌بودن روابط طرفین در سال‌های اول نخست‌وزیری پتروسیان، اگرچه ترکیه در پی تشدید بحران قره‌باغ در سال ۱۹۹۳ برای جلوگیری از پیشروی سریع نیروهای نظامی ارمنستان در خاک آذربایجان تمام مرزهای خود را به روی ارمنستان بست (Demirağ, 2005-2006: 75)، اما، باز هم ترکیه در سال ۱۹۹۵ جهت ابراز حسن نیت خود برای از سرگیری مناسبات ارتباط هوایی بین استانبول و ایروان را برقرار کرد. همچنین، با دستور دولت ترکیه در یک اقدام کاملاً دوستانه کار بازسازی آثار فرهنگی و هنری ارمنی در مناطق مختلف ترکیه شروع شد (Özbay, 2011: 4). با این حال، مجدداً در سال ۱۹۹۸ با روی کار آمدن روبرت کوچاریان روابط دو کشور وارد مرحله بسیار سختی شد. کوچاریان با اولویت دادن به شناسایی موضوع نسل‌کشی ارمنی‌ها در حوزه بین‌الملل، در کل سیاست خصمانه‌ای را در قبال ترکیه در پیش گرفت (Lütem, 2007: 1033). بدین ترتیب، در نتیجه تلاش‌های ارمنستان پارلمان اروپا در گزارش اختصاصی ترکیه در ۶ اکتبر ۲۰۰۴ گزارشی را تصویب کرد که موضوع نسل‌کشی ارمنی‌ها را تأیید می‌کند (Şimşir, 2005: 238). در این زمینه، پیشنهاد ترکیه برای رهایی از اعمال فشارهای بین‌المللی گشودن آرشیوهای دولتی طرفین و بررسی آنها از سوی کمیته‌ای از کارشناسان و گروهی از مورخان بی‌طرف است که متأسفانه دولت ارمنستان با سیاسی خواندن اختلافات بین طرفین از تحقیق علمی درباره «ادعای نسل‌کشی» خودداری کرده و تا جای ممکن از واقعیت‌های تاریخی فرار می‌کند (Fakir, 2005).

در کل، علی‌رغم حواشی و اختلافات پیچیده روابط دو کشور، در طول دو دهه گذشته تلاش‌های بسیاری از سوی طرفین بویژه ترکها برای عادی‌سازی مناسبات دوجانبه به انجام رسیده است که از مهمترین آنها می‌توان به ایجاد «شورای همکاریهای تجاری بین ترکیه - ارمنستان» در چهارچوب شورای همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه اشاره کرد که هدف اصلی آن برقراری تجارت مستقیم و همکاری بین طرفین است (Kyureghian & Heboyan, 2004: 2). همچنین، در سال ۲۰۰۷ و در چارچوب تلاش‌های دولت ترکیه برای برقراری ارتباط با ارمنستان کلیسای آکدامار در ترکیه بعد از بازسازی با حضور گاگیک گرجیان معاون وزیر فرهنگ ارمنستان و چند تن از همراهان او به‌عنوان موزه آثار تاریخی و هنری آرامنه به روی علاقه‌مندان گشوده شد. همزمان، ارتباط هوایی ایروان با آنتالیا هم مجدداً برقرار شد. در عین حال، در سال ۲۰۰۸ برای عادی‌سازی مناسبات طرفین طرحی با عنوان «پنیر قفقاز» از سوی ترکیه ارائه گردید (Özdal, 2009: 70) که هدف از آن برای برقراری صلح و از سرگیری مجدد روابط اقتصادی بین ترکیه و ارمنستان بود (The Economist, 2008: 45). علاوه بر این، حضور عبدالله گل در ۵ سپتامبر ۲۰۰۸ برای تماشای مسابقه فوتبال بین تیم‌های ملی ترکیه - ارمنستان از دیگر تلاش‌های مهم ترکیه در راستای عادی‌سازی روابط با ارمنستان محسوب می‌شود که در مقابل آن پاسخ مثبت سارکسیان برای حضور در ترکیه در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۹ جهت تماشای بازی برگشت دو تیم نقطه عطفی در روند عادی‌سازی مناسبات طرفین به‌شمار می‌رود (MFA, 2009a).

اما، نقطه اوج این روند اقدام وزیران امور خارجه ترکیه و ارمنستان در امضای موافقتنامه پنج ماده‌ای در اکتبر ۲۰۰۹ با میانجی‌گری سوئیس بود که در آن بر عادی‌سازی مناسبات، بازگشایی مرز، شناسایی قرارداد قارص و بررسی مشترک موضوع کشتار آرامنه در سال ۱۹۱۵ تأکید شده است. بر این اساس، دو کشور دو پروتکل تنظیم و در مورد آنها توافق کرده‌اند. پروتکل اول در خصوص از سرگیری روابط دیپلماتیک و پروتکل دوم در باب توسعه مناسبات در حوزه‌های و زمینه‌های مختلف است که هر یک دارای مفاد و بندهای مختلفی می‌باشد که از مهمترین آنها

می‌توان به شناسایی متقابل مرز بین دو کشور بر اساس حقوق بین‌الملل، بازگشایی مرز مشترک، تعهد مجدد نسبت به دوری از هر نوع اقدام سیاسی و منافی روابط صمیمی، برقراری روابط صمیمی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، برقراری روابط دیپلماتیک همزمان با اجرای پروتکل‌ها و گشایش متقابل نمایندگی دیپلماتیک (MFA, 2009b) اشاره کرد. بسیاری از کارشناسان از این پروتکل‌ها به‌عنوان اقدامات تاریخی برای توسعه روابط بین دو کشور یاد می‌کنند. قرار بود پروتکل‌ها بعد از امضا به پارلمان‌های طرفین فرستاده شوند و بعد از تصویب پارلمان‌ها قابل اجرا باشند. اما، در آوریل ۲۰۱۰ ارمنستان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد با توجه به اینکه پارلمان ترکیه در مهلتی معقول پروتکل‌ها را تصویب نکرده است، تعلیق در روند اجرای پروتکل‌ها را ضروری می‌داند. طبق این بیانیه، تا زمانی که آنکارا پیگیری روند اجرایی پروتکل‌های عادی‌سازی روابط را مشروط به خروج ارمنستان از مناطق اشغالی قره‌باغ بداند، مذاکرات در این خصوص در پارلمان ارمنستان از دستور کار خارج خواهد بود. بنابراین، با توجه به روند موجود، اگرچه تلاش‌های طرفین برای عادی‌سازی روابط تاکنون بی‌نتیجه بوده است، اما، تداوم روند عادی‌سازی قطعاً با پیامدهای ژئوپلیتیکی خاص خود در منطقه همراه خواهد بود که پرداختن به آنها می‌تواند دورنمایی از مناسبات منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در قفقاز جنوبی را به تصویر بکشد.

موانع اصلی عادی‌سازی مناسبات بین ترکیه و ارمنستان

ترکیه و ارمنستان، در مناسبات دو جانبه اهدافی راهبردی فراتر از برقراری صرف روابط دیپلماتیک دارند. مزیت‌ها و منافع این اهداف بلندمدت، هر دو کشور را به سمت تنش‌زدایی بیشتر در روابط سوق خواهد داد. ارمنستان، اهداف و ملاحظات استراتژیکی مانند کاهش وابستگی ساختاری نظامی و اقتصادی به روسیه، رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، کمک به حل بحران اقتصادی ملی و گذار مطمئن از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و پاسخ به بحران‌های اجتماعی مانند جلوگیری از مهاجرت گسترده آرامنه و تضعیف موقعیت جمهوری آذربایجان را پی‌گیری می‌کند که دستیابی به آنها در گرو تغییر راهبردهای سیاسی و

ذهنی نسبت به همسایه غربی است. ترکیه نیز اهداف مهمی مانند کاهش فشار آمریکا و اروپا برای بازگشایی مرزها و روابط دیپلماتیک، ورود به اتحادیه اروپا، کمک به تقویت امنیت منطقه‌ای و حل مسئله قره‌باغ در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت، جلوگیری از تخریب وجهه بین‌المللی ترکیه به خاطر طرح مداوم ادعای نسل‌کشی ارمنی، پیشبرد سریع‌تر و مطمئن‌تر پروژه‌های انتقال انرژی خزر و آسیای مرکزی به اروپا و نفوذ و حضور قوی‌تر در قفقاز در رقابت با روسیه و ایران را در دستور سیاست خارجی نوین خود قرار داده و که تحقق بخش مهمی از این اهداف کاملاً در گرو تجدید نظر آنکارا در مناسبات منطقه‌ای با ارمنستان می‌باشد (Banihashemi, 2009: 138-9). با این وجود، عواملی است که کاملاً رویکردهای طرفین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در حقیقت نوعی بن‌بست سیاسی بین دو کشور به وجود آورده است؛ به گونه‌ای که حتی به راحتی نمی‌توان در مورد آینده مناسبات دوجانبه طرفین با قطعیت نظر داد. این بن‌بست سیاسی و گرایش‌های سیاسی مؤثر در آن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- با توجه به پیچیدگی واقعیت‌های ژئوپلیتیکی قفقاز، شاید بتوان گفت که هیچ عاملی به اندازه موضوع قره‌باغ در مناسبات ژئوپلیتیکی ارمنستان با ترکیه - آذربایجان مهم و تأثیرگذار نیست. موضوع قره‌باغ چنان با منافع ژئوپلیتیکی هر سه دولت گره خورده است که نمی‌توان نقش آن را در بن‌بست سیاسی بین آذربایجان - ترکیه با ارمنستان انکار کرد. به گونه‌ای که کیفیت مناسبات هر یک از دو دولت آذربایجان و ترکیه با ارمنستان می‌تواند در کیفیت مناسبات دوجانبه بین آذربایجان - ترکیه نقش‌آفرین باشد. به عبارت آشکارتر، از یک طرف، هر گونه سازش مثبت بین آذربایجان و ارمنستان موجب تسهیل در حل دیگر مشکلات بین ترکیه و ارمنستان خواهد بود و یا بالعکس؛ از طرف دیگر نیز با توجه به عمق تعلقات ژئوپلیتیکی در روابط بین آذربایجان و ترکیه، تردیدی نیست هر گونه سازش در روابط بین ترکیه - ارمنستان بدون در نظر گرفتن منافع آذربایجان موجب تنش در روابط آذربایجان و ترکیه خواهد بود (Valigholizadeh, 2010: 96).

- حکومت ارمنستان به صورت بی‌اساس رویدادهای سال ۱۹۱۵ توسط دولت عثمانی را

«نسل‌کشی» معرفی می‌کند و همواره در عرصه بین‌المللی بر این موضوع تأکید کرده است. این تلاش‌ها که با استقبال برخی قدرت‌های اروپایی و محافل آمریکایی همراه بوده، هم پرستیژ بین‌المللی ترکیه را در سطح جهانی خدشه دار کرده و هم روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه را با هر کشوری که به شناسایی رسمی دعاوی ارامنه اقدام کرده، مختل نموده است (Banihashemi, 2009: 125). هدف اصلی شناسایی و پذیرش این موضوع از جانب ترکیه است تا بدین وسیله ارمنستان با بهره‌گیری از تعهداتی قانونی که در قبال این مسئله برای ترکیه قابل تصور است، امتیازات مختلف اقتصادی و سیاسی از این کشور بگیرد.

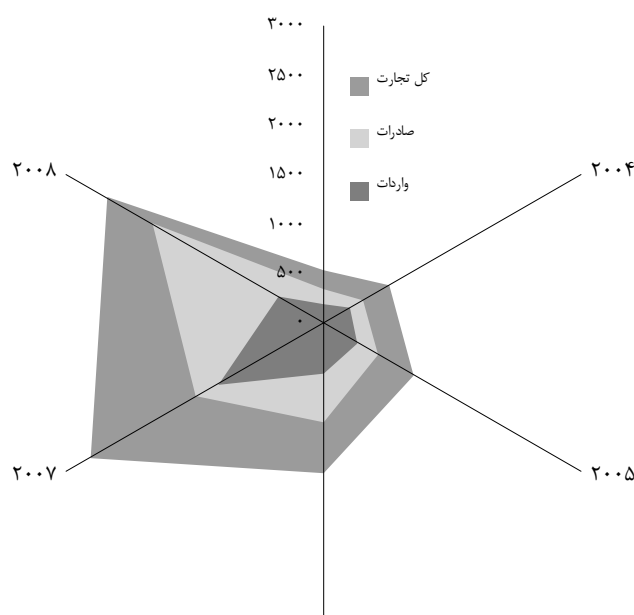
- ارمنستان، مرز خود با ترکیه را کاملاً به رسمیت نمی‌شناسد. علاوه بر این، ظاهراً در اعلامیه استقلال و قانون اساسی ارمنستان ادعاهای نسل‌کشی و مطالبات مربوط به سرزمین‌های شرق آناتولی ترکیه بیان شده است (Anadolu, 2009). در این اسناد اصطلاح «ارمنستان غربی» نیز به چشم می‌خورد و از همه مهمتر بیانیه‌ای درباره حقوق برون مرزی و روابط حسن همجواری وجود دارد که هنوز از جانب دولت ارمنستان به امضا نرسیده است (Kamer, 2009). همچنین، ارمنستان در تحقیقات رسمی دولتی از کوه آرارات (آغری‌داغی) که در داخل مرزهای ترکیه قرار دارد به‌عنوان سمبل خود استفاده می‌کند. حتی استفاده از اسم آرارات در زمینه‌های مختلفی چون عرصه سینما و نام‌گذاری شهرها به وفور دیده می‌شود. به عبارتی این گرایش با نیت خالص همخوانی ندارد.

- این عمل و رویکردها و رفتارهای سیاسی مشابه به نوعی باعث می‌شود روابط بین ترکیه و ارمنستان شکل نگیرد. همچنان که قبلاً نیز بحث شد نفوذ دیاسپورا و گروه‌های فشار در ارمنستان موجودیت خود را در اینجا نشان می‌دهد. این گروه‌های فشار در هر شرایطی از تلاش‌های دولت ارمنستان در راستای نزدیکی به ترکیه انتقاد کرده و دولت را مجبور به عقب‌نشینی کرده‌اند. به همین نحو افزایش حساسیت اجتماعی نسبت به این موضوع در ترکیه نیز می‌تواند شرایط را برای تلاش‌های جدید دولت دشوارتر نماید. این شرایط دشوار اگرچه شاید به مانند شرایط موجود در ارمنستان نباشد، اما ترکیه با مانع دیگری نیز روبرو است و آن دولت آذربایجان می‌باشد. مردم آذربایجان و ترکیه به یکدیگر به‌عنوان «یک ملت دو دولت» می‌نگرند.

از این دیدگاه می‌توان فهمید که موضوع مناقشه قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان از چه جایگاه مهمی در بین ملت ترکیه و آذربایجان برخوردار است. در حقیقت، دلیل اصلی مسدود بودن دروازه‌های مرزی ترکیه با ارمنستان نیز همین مسئله است. پس به‌راحتی می‌توان متصور بود که هر نوع تمایل از سوی دولت ترکیه برای بازگشایی مرز با ارمنستان با واکنش گسترده مردم و حکومت آذربایجان روبرو شود. در حقیقت، انتظار دولت و ملت آذربایجان از ترکیه، مشروط کردن عادی‌سازی مناسبات و بازگشایی مرزها به خروج ارمنستان از مناطق اشغالی پیرامون قره‌باغ و حل مسئله قره‌باغ در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان می‌باشد.

جایگاه ارمنستان در چشم‌انداز مناسبات تجاری ترکیه با قفقاز جنوبی

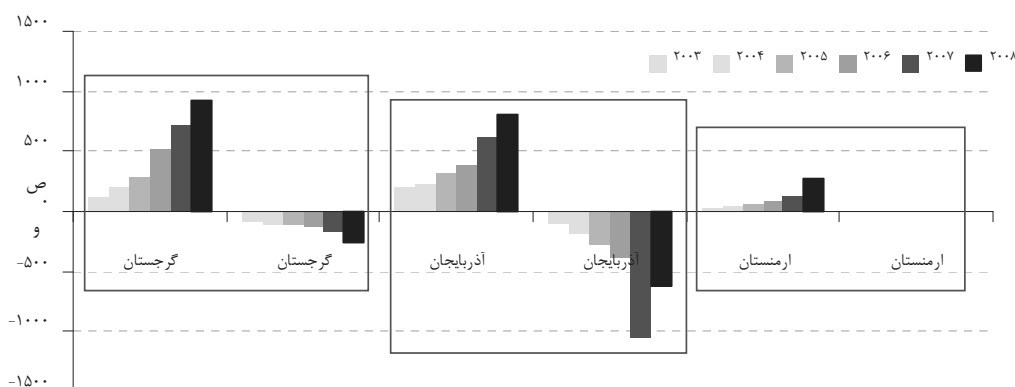
قفقاز جنوبی به‌لحاظ ژئواکونومیکی در عرصه تجارت خارجی ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ارزیابی مناسبات تجاری ترکیه با کشورهای منطقه از یک روند صعودی حکایت دارد. در واقع هرچند که با توجه به مقیاس‌های اقتصاد بازاری و بین‌المللی نمی‌توان برای این منطقه با بازار ۱۶ میلیونی آن ارزش‌های کلان اقتصادی در نظر گرفت، اما موقعیت ارتباطی و مواصلاتی منطقه مهمترین مزیت اقتصاد جغرافیایی قفقاز جنوبی است که در عرصه تجارت خارجی ترکیه به این منطقه بار ژئواکونومیکی ویژه‌ای بخشیده است. صادرات ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۳۴۰ میلیون دلار بود که این میزان در سال ۲۰۰۸ با ۴۸۸ درصد رشد نسبت به میزان مشابه قبلی به حدود ۲۰۰۰ میلیون دلار رسید. با توجه به نمودار شماره ۱ افزایش صادرات ترکیه به کشورهای منطقه سال به سال محسوس است. در این مدت بالاترین حجم واردات ترکیه از منطقه نیز به ارزش ۱۲۲۸ میلیون دلار می‌باشد که به سال ۲۰۰۷ اختصاص دارد که بخش قابل توجهی از آن مربوط به واردات منابع نفت و گاز از آذربایجان می‌باشد.



نمودار شماره ۱: تجارت کلی ترکیه با قفقاز جنوبی بر حسب میلیون دلار
(ترسیم از نویسندگان) منبع آمار: (UN Comtrade, 2007)

شایان ذکر است، در سال ۲۰۰۸ در مجموع صادرات ترکیه به ارمنستان به ارزش ۲۶۷ میلیون دلار است این میزان تنها ۱۳ درصد از کل صادرات ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی است. البته، این میزان نسبت به میزان مشابه در سال ۲۰۰۳ با ۳۳ میلیون دلار ۷۱۰ درصد رشد نشان می‌دهد. این در حالی است که واردات آذربایجان و گرجستان از ترکیه با ۸۰۷ و ۹۱۶ میلیون دلار ۳ و ۳/۴ برابر صادرات ترکیه به ارمنستان بوده است. همچنین، کل تجارت خارجی ترکیه به ترتیب با جمهوری آذربایجان و گرجستان در طول سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ نزدیک به ۵۱۸۴ و ۳۶۴۰ میلیون دلار می‌باشد که این میزان به ترتیب نزدیک به ۸/۵ و ۶ برابر کل تجارت ترکیه با ارمنستان در مدت مشابه با ۶۱۳ میلیون دلار می‌باشد. موضوع مهم دیگر اینکه کل واردات ارمنستان در سال ۲۰۰۸ به ارزش ۴۱۰۱/۲ میلیون دلار می‌باشد که صادرات ترکیه تنها

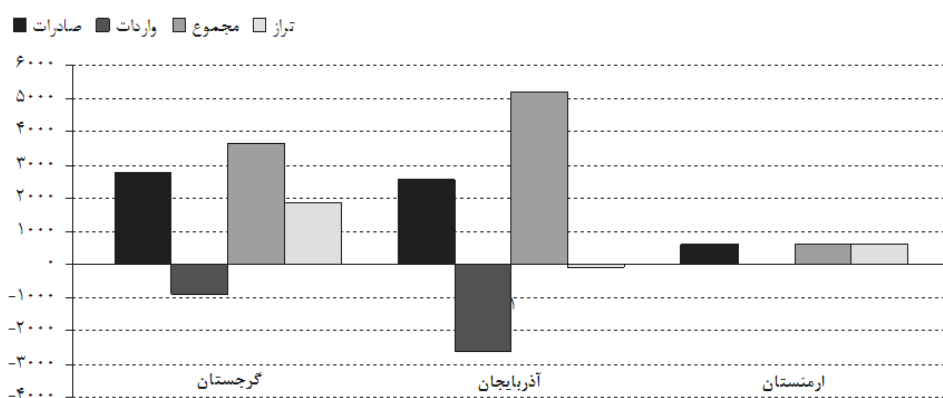
۱۵ درصد از کل آن را شامل می‌شود. این میزان در سال ۲۰۰۷ نیز ۳/۶۸ درصد می‌باشد. با این حال، همچنان‌که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود ترکیه در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ هیچ نوع واردات از ارمنستان نداشته است. این در حالی است که ارمنستان در منطقه قفقاز جنوبی دارای ضعیف‌ترین مناسبات تجاری با منطقه است. ارمنستان، نه تنها با آذربایجان هیچ نوع رابطه تجاری ندارد، بلکه طبق آمار ۲۰۰۸، در حالی که کل تجارت خارجی آذربایجان با گرجستان ۸۱۳ میلیون است، این میزان برای ارمنستان ۱۱۷ میلیون دلار می‌باشد.



نمودار شماره ۲: تجارت خارجی ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی بر حسب میلیون دلار (ترسیم از نویسندگان)

بدیهی است که در صورت عادی‌شدن روابط بین ترکیه-ارمنستان و به تبع آن حل اختلافات بین آذربایجان و ارمنستان توسعه همکاری‌های اقتصادی در منطقه بعید نیست. از این رو این وضعیت همراه با رشد و تکامل تحولات منطقه موجب افزایش حجم تجارت ترکیه با منطقه نیز خواهد بود. در حقیقت، علی‌رغم سطح فعلی روابط، با در نظر گرفتن افزایش سالیانه صادرات کلی ترکیه به منطقه، استمرار این روند تزایدی دور از ذهن نیست. هرچند در شرایط فعلی با توجه به شاخص‌های اقتصاد کلان کشورهای منطقه افزایش در ابعاد گسترده و در کوتاه مدت بعید به نظر می‌رسد. در حقیقت پتانسیل‌های موجود در کشورهای منطقه ذاتاً قادر به خلق یک فضای مساعد برای یک چنین رشد وسیعی نمی‌باشد. بویژه، در صورت عادی‌شدن روابط ترکیه با ارمنستان باز نمی‌توان مطابق تصورات موجود شاهد افزایش بالایی

در حجم تجارت فعلی ترکیه با منطقه بود. اگر مناسبات تجاری ترکیه با گرجستان را در نظر بگیریم، حجم کل تجارت ترکیه با گرجستان در سال ۲۰۰۸ حدود ۱۱۷۸ میلیون دلار بود که بالطبع سهم واردات غیرمستقیم ارمنستان از ترکیه نیز در آن مستتر است. چرا که به دلیل بسته بودن مرز بین ترکیه و ارمنستان تجارت یک طرفه بین طرفین از طریق گرجستان به انجام می‌رسد.



نمودار شماره ۳: مجموع تجارت ترکیه با قفقاز جنوبی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸- میلیون دلار (ترسیم از نویسندگان)

علاوه بر این، باز در مقایسه ارمنستان بر مبنای شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی، مشاهده می‌شود که این کشور هم به لحاظ وسعت بازار از جمعیت پایینی برخوردار است و هم از نظر میزان رشد تولید ناخالص داخلی از دیگر کشورهای منطقه ضعیف‌تر می‌باشد. بر این اساس، با توجه به نمودار شماره ۳ ارمنستان در مقایسه با آذربایجان که بالاترین حجم تجارت ترکیه در منطقه را به خود اختصاص داده است، جمعیتی کمتر از نصف جمعیت آذربایجان دارد و رشد تولید ناخالص داخلی آن با میزان مشابه آذربایجان خیلی فاصله دارد. بنابراین، اینکه ارمنستان با توجه به پتانسیل فعلی اقتصاد خود خالق سهم قابل توجهی در زمینه تقویت مناسبات تجاری ترکیه با منطقه نخواهد بود یک واقعیت است. با این حال، نباید از اهمیت ژئواکونومیکی توسعه مناسبات تجاری ترکیه-ارمنستان برای طرفین بویژه در سایه تغییر در سیاست خارجی ارمنستان و اتخاذ سیاست خارجی منطقی و قابل قبول غافل بود.

جدول شماره ۱: جمعیت و رشد تولید ناخالص داخلی در قفقاز جنوبی (۲۰۰۷)

گرجستان	ارمنستان	آذربایجان	
۴.۴۰	۳.۰۱	۸.۵۶	جمعیت
۱۰.۱۸	۹.۲۰	۳۱.۲۵	رشد تولید ناخالص داخلی

منبع: (The World Bank, 2009)

با توجه به مباحث قبل، ارزیابی بهبود روابط ترکیه-ارمنستان تنها بر اساس چشم‌انداز روابط دوجانه ناقص خواهد بود. از طرف دیگر ضرورت در نظر گرفتن منطقه به‌عنوان یک مجموعه باید مبنای اصلی بحث باشد. در واقع، همراه با رشد و توسعه روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه و افزایش میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، اقتصادهای منطقه می‌توانند با نیرو گرفتن از یکدیگر به مرور زمان از پتانسیل‌های خوبی برخوردار شوند. اینجاست که مناسبات تجاری ترکیه با کشورهای منطقه می‌تواند با رشد قابل‌توجهی همراه باشد. بنابراین، هرچند که از نظر سیاسی عادی‌سازی صرف در روابط ترکیه با ارمنستان باعث تقویت جایگاه منطقه‌ای ترکیه خواهد بود، اما تحقق اقتصادی این شرایط در یک دوره زمانی کوتاه مدت بعید به نظر می‌رسد.

با تأمین ثبات در منطقه، مهمترین مزیت‌های توسعه روابط اقتصاد و سیاسی ترکیه را می‌توان علاوه بر رشد صادرات منطقه‌ای این کشور، ایجاد شرایط ایده‌آل برای انتقال منابع انرژی از روی ارمنستان به ترکیه و بازارهای بین‌المللی در نظر گرفت. علاوه بر این، با افزایش هرچند ناچیز پتانسیل صادرات شهرهای شرق آناتولی ترکیه در مجاورت قفقاز جنوبی، کاهش خطرات امنیتی مرزهای شرقی و احیاء وضعیت اقتصادی شهرهای مرزی ترکیه، می‌توان مزیت‌های اجتماعی دیگری چون کاهش مهاجرت از مناطق شرقی ترکیه را نیز از جمله تبعات عادی‌سازی روابط منطقه‌ای در نظر گرفت. هرچند، نباید در مورد تأثیرات عادی‌سازی روابط ترکیه-ارمنستان، بویژه در کوتاه و میان مدت مبالغه شود.

پیامدهای ژئوپلیتیک عادی‌سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان

با توجه به روند فعلی یارگیری استراتژیک کشورهای قفقاز جنوبی و نیز اهمیت استراتژیک منطقه در حوزه رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، بدون تردید عادی‌سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان باعث تحولات ویژه‌ای در معادلات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه خواهد بود که این تحولات می‌تواند از منظر هر یک از دول قفقاز جنوبی، قدرت‌های پیرامونی و بازیگران جهانی و ذی‌نفع در منطقه حائز اهمیت باشد.

در بعد درون منطقه‌ای، تحول روابط ارمنستان و ترکیه می‌تواند نقطه عطف مهمی در تعیین سرنوشت بحران قره‌باغ باشد. این تحول، به‌طور متناقضی موقعیت دو دولت آذربایجان و ارمنستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نگاه اول، بهبود روابط دو کشور ترکیه-ارمنستان، موقعیت و پشتوانه منطقه‌ای آذربایجان را تضعیف می‌نماید. چنان‌که مشاهده می‌شود، نشانه‌های نخستین این تحول برای مدتی موجب سردی روابط دو کشور آذربایجان و ترکیه شد. انتظار آذربایجان از ترکیه، مشروط‌کردن بهبود روابط و بازگشایی مرزها به خروج ارمنستان از مناطق اشغالی پیرامون قره‌باغ و حل مسأله منطقه قره‌باغ در چارچوب تمامیت ارضی این کشور می‌باشد. بر اساس راهبرد آنکارا، از طرفی مشوق‌های امنیتی و اقتصادی ترکیه و آذربایجان برای ارمنستان در قبال حل بحران قره‌باغ و مناطق اشغالی دیگر، ابزار و کارت بسیار مهمی هستند تا در آینده ایروان را متقاعد به تعدیل مواضع خود نماید. از طرفی نیز مشروط کردن بهبود روابط و گسترش آن از طرف ترکیه به پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت از جانب ارمنستان مبنی بر حل و فصل مسأله قره‌باغ در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان، اهرم فشار حقوقی مهمی برای روی آوردن ایروان به افکار عمومی جهانی و نیز درخواست قدرت‌های بزرگ برای حل مسأله‌آمیز مسأله خواهد بود (Banihashemi, 2009: 135-6).

در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، مالکیت مسیر انتقال و کنترل مسیر خطوط انتقال انرژی مانند مالکیت بر انرژی، می‌تواند آثار و منافع راهبردی وسیعی مانند دسترسی به انرژی ارزان‌تر برای تأمین نیازهای داخلی، سرمایه‌گذاری‌های مطمئن، درآمدهای ترانزیتی قابل توجه و قدرت نفوذ

بر جریان منابع انرژی و استفاده از آن به عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی داشته باشد (Saghafi, Ameri & Taghizadeh, 2008: 26-7). این در حالی است که فقدان روابط دیپلماتیک و اقتصادی ارمنستان با آذربایجان و ترکیه موجب عدم امکان بهره‌گیری از پتانسیل ژئوپلیتیکی برای تقویت اقتصاد ملی و تداوم وابستگی به روسیه شده است. عدم حل بحران قره‌باغ باعث شده ارمنستان در طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای در قفقاز مشارکت داده نشود و بیش از قبل احساس تحریم و انزوا نماید. حذف ارمنستان از پروژه‌های مهم انتقال منابع انرژی مانند خط لوله باکو-تفلیس-جیهان و نیز خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم و مشارکت ندادن آن در پروژه‌های در دست ساخت مانند خط آهن باکو-تفلیس-قارص و نیز آزاد راه آنکارا-تفلیس-باکو، خسارت‌های استراتژیک و بلندمدت اقتصادی برای ایروان در پی خواهد داشت. همچنین، عدم حضور ارمنستان در این پروژه‌ها بویژه طرح ناباکو به مفهوم از دست رفتن فرصت‌های تاریخی اقتصادی، تأمین انرژی و حتی امنیت منطقه‌ای و جداشدن سرنوشت اقتصادی و سیاسی ارمنستان از دولت‌های منطقه در مجامع سیاسی و اقتصادی جهانی است (Banihashemi, 2009: 129). بر همین اساس، دولت ارمنستان و صاحب‌نظران دوراندیش سیاسی و اقتصادی میانه‌رو در این کشور خواهان مشارکت فعالانه ارمنستان در طرح‌های بزرگ اقتصادی و انرژی منطقه هستند.

در حقیقت، تحریم اقتصادی و انزوای سرزمینی ارمنستان توسط ترکیه و آذربایجان، باعث ایجاد گسسل بزرگی در عرصه همکاری‌های اقتصادی و ارتباطاتی در قفقاز جنوبی بویژه در زمینه همکاری‌های سیاسی-اقتصادی ارمنستان با منطقه بوده است. از این حیث، بهبود روابط ارمنستان و ترکیه در میان مدت و ارمنستان-آذربایجان در بلندمدت، مانع بزرگی را در زمینه همگرایی ساختارهای اقتصادی قفقاز از میان برخواهد داشت و اقتصاد منزوی ارمنستان را به اقتصاد پویای ترکیه و اقتصاد در حال رشد آذربایجان پیوند خواهد داد. این تحول مهم را می‌توان مقدمه ورود اساسی ارمنستان به اقتصاد منطقه‌ای و ادغام در اقتصاد جهانی دانست. البته، ورود ارمنستان به این فرایند از اهداف استراتژیک این کشور می‌باشد و این تحول، از یک طرف پاسخی به بحران‌های داخلی و از طرف دیگر، گام

مهمی در مسیر استقلال اقتصادی این کشور و کاهش وابستگی ساختاری اقتصاد آن به روسیه می‌باشد. نتیجه این تحول در میان‌مدت و بلندمدت، حاکم‌شدن منطق اقتصادی بر رفتارها و روابط کشورهای قفقاز و کاهش هزینه‌های نظامی و دفاعی و سوق‌یافتن آن به سمت توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه می‌باشد. شاید مهمترین پیامد زودهنگام بهبود روابط دو کشور ارمنستان و ترکیه، آغاز تحول اساسی در عرصه خطوط انتقال انرژی و مسیرهای ارتباطی باشد. البته، نباید نادیده گرفت که ورود ارمنستان به عرصه ترانزیت انرژی و پروژه‌های بزرگی مانند نابوکو و ترانس خزر و همچنین، مشارکت در پروژه‌های زیرساختی ارتباطی قفقاز جنوبی مانند خط ریلی باکو-تفلیس-قارص، آزادراه باکو-آنکارا و آزادراه ساحلی دریای سیاه، مشروط به حل بحران قره‌باغ است (Banihashemi, 2009: 127).

از منظر منافع ایران باید به این نکته اشاره نمود که ارمنستان تنها همسایه غیرمسلمان ایران به‌شمار می‌رود و در میان تمام همسایگان مسلمان ایران، کمترین چالش سیاسی و امنیتی را با ایران داشته است که شاید علت اصلی آن را باید نیاز این ارمنستان به ایران برای ارتباط با جهان خارج در جهت برقراری نوعی توازن قدرت در قفقاز جنوبی دانست. بنابراین، با توجه به اینکه ارمنستان در شرق بر سر مسئله قره‌باغ با آذربایجان مشکل دارد؛ در شمال پس از رویدادهای آگوست ۲۰۰۸ گرجستان، احساس ناامنی می‌کند و در غرب نیز با ترکیه مشکلات اساسی دارد، دور از ذهن و غیر واقع‌بینانه خواهد بود که پنداشته شود روابط ایران و ارمنستان به‌طور کلی تحت تأثیر بهبود مناسبات ایروان-آنکارا قرار گیرد. اما نتیجه این تحولات جدید مطمئناً با توجه به رهایی ارمنستان از انزوا و وابستگی سنتی به ایران به معنای تنگ‌تر شدن فضای حضور ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی قفقاز خواهد بود (Koozegar Kaleji, 2009: 18). البته، در این زمینه، اتفاق دیگری نیز قابل تصور است و آن اینکه اگر ترکیه نتواند در مسیر عادی‌سازی روابط با ارمنستان منافع ملی آذربایجان را محفوظ نگاه دارد، یعنی اگر روند عادی‌سازی روابط در راستای منافع ملی آذربایجان نباشد، در آن زمان، هرچند به‌صورت مقطعی شاید شاهد رویگردانی آذربایجان از ترکیه و نزدیکی آن به ایران باشیم. این موضوع در

مورد گرجستان نیز صدق می‌کند. در حقیقت، فاصله‌گیری گرجستان از پروژه‌های کلان اقتصادی و نیز جریان تجارت خارجی ارمنستان می‌تواند این کشور را به طرف ایران متمایل‌تر نماید.

عادی‌سازی مناسبات ترکیه - ارمنستان در بعد برون منطقه‌ای نیز می‌تواند با پیامدهای خاص خود همراه باشد. پس از فروپاشی شوروی، به تدریج نظام منطقه‌ای ویژه‌ای در قفقاز جنوبی شکل گرفت که بازیگران اصلی آن سه قدرت منطقه‌ای روسیه، ایران و ترکیه بودند. در حقیقت، منافع و ملاحظات امنیتی، تاریخی و فرهنگی این کشورها و نیز سه کشور قفقاز جنوبی باعث شد به تدریج، ائتلاف‌ها و همگرایی‌های نسبتاً پایداری بین این کشورها شکل بگیرد که در یک طرف آن روسیه، ایران و ارمنستان و در طرف دیگر ترکیه، آذربایجان و گرجستان قرار دارند. هر کدام از این گروه‌ها در دو دهه گذشته، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی گسترده و رقابت‌آمیزی را در قالب برخی اتحادیه‌ها یا پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای شکل داده و سعی کرده‌اند حداقل در مسائل منطقه‌ای، مواضع و منافع خود را همسو نمایند. بنابراین، با توجه به اینکه ارمنستان و ترکیه در دو طرف متقابل موازنه رقابت در منطقه قرار دارند و پیشینه روابط خصومت‌آمیز آنها هویت خاصی به این ائتلاف‌ها داده است، تحول در روابط آنها مرزهای هویتی و سیاسی نظام منطقه‌ای دوقطبی را که در دو دهه گذشته استحکام پیدا کرده، دچار از هم گسیختگی خواهد کرد. این دگرگونی در مرزهای ایدئولوژیک و هویتی، می‌تواند شروع مهمی برای تغییر و تحول در توازن قدرت در نظام دوقطبی منطقه و ائتلاف‌های موجود باشد. به عبارتی، ورود ارمنستان به این فرایند که برای رفع آثار تحریم و انزوای جغرافیایی و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی اجتناب‌ناپذیر است و البته، یکی از اهداف استراتژیک ارمنستان در بهبود روابط با ترکیه می‌باشد، می‌تواند معادله قدرت را در منطقه به نفع ترکیه تغییر دهد (Banihashemi, 2009: 131).

از منظر منافع جهان غرب یعنی اروپا و آمریکا، بهبود مناسبات ایران - آنکارا به معنی تنگ‌تر شدن فضای تحرک روسیه و ایران در منطقه قفقاز بویژه در زمینه انتقال انرژی، با ایجاد

بستر مناسب برای دو پروژه حیاتی باکو-تفلیس-جیهان و نابوکو خواهد بود. بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان می‌تواند بستری مناسب برای نفوذ بیشتر آمریکا در معادلات قفقاز فراهم نماید. از دید واشینگتن، به هر میزان که ارمنستان در صحنه معادلات منطقه فعال‌تر و از میزان وابستگی آن به ایران و روسیه کاسته شود، می‌توان این کشور مسیحی و برخوردار از تشابهات فرهنگی و تمدنی بسیار با جهان غرب و نیز موقعیت استراتژیک را به غرب نزدیک‌تر نمود (Koozegar Kaleji, 2009: 19). ارمنستان در صورت عادی‌شدن روابط آن با ترکیه، گام خیلی بزرگی در این مسیر خواهد برداشت. همچنین، در تعیین رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به منطقه دو عامل اصلی وجود دارد. یکی از آنها تأثیرات خطوط لوله موجود و در دست احداث در منطقه بر روی امنیت انرژی اتحادیه اروپاست. عامل دوم سیاست همکاری اروپا با شرق است که هدف اصلی آن کمک‌های مختلف به شش جمهوری از جمهوری‌های شوروی سابق می‌باشد. در راستای این رویکرد، مساعدت به کشورهای اوکراین، مولداوی، بلاروس، گرجستان، آذربایجان و ارمنستان در حوزه‌های مختلفی چون پشتیبانی از ارگان‌های دولتی و اقتصادی و نیز امنیت مرزی پیش‌بینی شده است (Çomak, 2009).

در این بین، به نظر می‌رسد کرملین نیز در یک تغییر نسبتاً آشکار سعی دارد روابط خود با ارمنستان را برپایه مناسباتش با آذربایجان و ترکیه تنظیم نماید؛ چرا که روسیه از نظر منافع ژئوپلیتیکی برای مقابله با استراتژی ناتو حداقل به روابط عادی با آذربایجان و ترکیه نیاز دارد. در واقع روسیه برای دور کردن آمریکا از مسائل منطقه در اندیشه تحکیم مواضع مسکو در قفقاز می‌باشد. از دلایل دیگر نزدیکی روسیه به آذربایجان، اعمال فشاری است که روسیه از این طریق بر ارمنستان وارد می‌کند. از طرف دیگر روسیه تلاش دارد با پیشبرد گزینه سه منهای یک (روسیه، آذربایجان، ارمنستان منهای گرجستان)، با دور کردن آذربایجان از گرجستان این کشور را در منطقه منزوی کرده و در تنگنا قرار دهد (Caucasus Bulletin, 2008: 42). روسیه، با اینکه در رویدادهای اخیر گرجستان چیزی را از دست نداد، اما با توجه به تجربه بد آن دیگر نمی‌خواهد که منطقه شاهد درگیری تازه‌ای باشد و در واقع تثبیت ثبات منطقه در راستای منافع روسیه جزو آرزوهای دیرین مسکو می‌باشد. علاوه بر این، روسیه می‌خواهد با حمایت از

عادی‌سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان و به‌تبع آن جلب رضایت ترکیه از روند رو به توسعه مناسبات مسکو با آنکارا و نیز اعتماد متقابلی که در سال‌های اخیر بین طرفین شکل گرفته است، محافظت نماید (Aras, 2009).

روسیه به‌دنبال این است که با هر دو کشور ارمنستان و آذربایجان روابط خوبی داشته باشد. از دید روسیه، ارمنستان در حوزه استراتژیک و نظامی، آذربایجان نیز به‌لحاظ منابع انرژی و مالی از اهمیت زیادی برخوردارند. از طرف دیگر روسیه خود را در شرایطی می‌بیند که مجبور است رضایت هر دو طرف را جلب نماید. همچنین، با بازگشایی مرز بین ترکیه-ارمنستان بخش عمده‌ای از تجارت ارمنستان به‌جای بندر پوتی گرجستان از بندر ترابوزان ترکیه به انجام خواهد رسید. این به این معنی است که روسیه طبق اهداف خود می‌خواهد تجارت خارجی ارمنستان را از انحصار گرجستان خارج کند. شایان ذکر است، روسیه، علاوه بر پیروزی نظامی در گرجستان، همزمان با شناسایی استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی یک پیروزی سیاسی نیز کسب کرد. با این حال، قطع کامل روابط آن با گرجستان، بر انزوای ارمنستان بیش از پیش افزوده است. به این دلیل، از دید روسیه، بازگشایی مرز ترکیه-ارمنستان و بهبود مناسبات بین طرفین که موجب آسایش خاطر ارمنستان شریک استراتژیک روسیه در قفقاز جنوبی و رهایی آن از وابستگی به گرجستان خواهد بود، اتفاق خوشایندی به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، در صورت عادی‌شدن روابط ترکیه-ارمنستان خطوط انتقال انرژی و ارتباطی غرب از گرجستان به مناطق جنوبی‌تر یعنی ارمنستان منتقل خواهد شد. اما، در صورت بروز دوباره جنگ بین ایروان و باکو باز سناریوهای پیشین تکرار خواهد شد و روسیه در جبهه ارمنستان و ترکیه در جبهه آذربایجان قرار خواهند گرفت و چنین اتفاقی به‌راحتی می‌تواند موجب تیره‌گی مجدد در مناسبات مسکو با آنکارا که در حال حاضر یکی از بزرگترین شرکای تجاری روسیه محسوب می‌شود و نیز آذربایجان که روسیه سعی دارد به‌دلیل اهمیت منابع انرژی آن خود را بیش از پیش به این کشور نزدیک‌تر نماید، خواهد شد.

پیامدهای استراتژیک عادی‌سازی روابط از دیدگاه ترکیه نسبت به کشورهای دیگر متمایزتر است. از یک منظر سیاست عادی‌سازی روابط ترکیه با ارمنستان یک نوع دیپلماسی برقراری

صلح محسوب می‌شود (Sanberk, 2009). از دیدگاه ترکیه که در مسیر عضویت در اتحادیه اروپا گام‌های ثابتی برداشته است، روابط مبتنی بر صلح و ثبات با کشورهای همسایه و پیرامونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ترکیه در چارچوب سیاست خارجی چند بعدی، از یک طرف سیاست حل مشکلات از طریق گفتگو در قالب رویکرد صفر کردن مشکلات با همسایگان را دنبال می‌کند و از طرف دیگر با هدف ایجاد یک کمربند صلح در محیط پیرامونی خود به‌عنوان بازیگر میانجی‌گر در بحران‌های منطقه‌ای ظاهر می‌شود. در حقیقت، اگر هیچ نوع تحولی در مناسبات ترکیه-ارمنستان حاصل نشود، به‌نوعی ماهیت سیاست ایجاد کمربند صلح به زیر سؤال می‌رود. ترکیه با ایده کمک به شکل‌گیری زمینه همکاری در منطقه و مساعدت به برقراری ثبات در منطقه در پی عادی‌سازی روابط دوجانبه است. ترکیه در صورت بهبود روابط خود با ارمنستان به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای جایگاه خود را در منطقه ارتقاء خواهد داد (Aras & Özbay, 2009: 7-8).

همچنین، ترکیه به‌دنبال تقویت روابط کشورهای قفقاز جنوبی با غرب و تضعیف نفوذ روسیه در این کشورهاست. روابط پیشرفته ترکیه با آذربایجان و گرجستان به وضوح این مسئله را نشان می‌دهد. ارمنستان پاشنه آشیل قفقاز جنوبی است. همزمان با بهبود روابط ترکیه-ارمنستان، فاصله‌گیری ایروان از روسیه و نزدیک شدن آن به غرب یک پیروزی بزرگی محسوب خواهد شد. همچنین، با عادی‌شدن روابط ترکیه با ارمنستان عرصه برای حضور بخش خصوصی ترکیه در بازار ارمنستان مهیا و تجارت در مناطق شرقی ترکیه احیاء خواهد شد. همچنین، آنکارا همزمان با عبور خطوط ارتباطی و انرژی بین‌المللی از روی خاک‌های ترکیه، می‌خواهد ترکیه را به یکی از مهمترین ایستگاه‌های انرژی دنیا تبدیل نماید که تنها چاره آن تأمین امنیت منطقه و پایداری ثبات آن می‌باشد. اما، روابط تنش‌آلود بین ترکیه-ارمنستان در این زمینه مانعی جدی محسوب می‌شود. بنابراین، با بهبود روابط طرفین گام‌های مهمی در این عرصه برداشته خواهد شد.

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به آنچه که در این مقاله بحث شد، علی‌رغم موانع بزرگی که سر راه عادی‌سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان وجود دارد، با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه بهبود مناسبات دوجانبه می‌تواند با خلق فرصت‌ها و تنگناهای متفاوتی در ژئوپلیتیک منطقه همراه باشد. در حال حاضر، ارمنستان علی‌رغم اینکه ضعیف‌ترین کشور قفقاز جنوبی محسوب می‌شود، در ژئوپلیتیک کنونی منطقه نقش کلیدی بازی می‌کند. به عبارتی، نقش جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور در شکل‌دهی به ژئوپلیتیکی منطقه نسبت به سایر کشورها پر رنگ‌تر است. به‌گونه‌ای که تغییر در سیاست خارجی این کشور نسبت به کشورهای پیرامونی، بویژه ترکیه و آذربایجان می‌تواند به کلی معادلات ژئوپلیتیکی منطقه را زیر و رو سازد. در حقیقت، عادی‌سازی مناسبات دوجانبه و خروج ارمنستان از انزوای اقتصادی و سرزمینی در صورتی که بتواند مکمل ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آذربایجان و گرجستان بویژه ثبات منطقه‌ای باشد، به تدریج میزان وابستگی ارمنستان را به روسیه و ایران، هم به‌لحاظ دفاعی-امنیتی و هم به لحاظ اقتصادی و انرژی، کاهش خواهد داد و زمینه حضور و مشارکت بیشتر ارمنستان را در پروژه‌های امنیتی و اقتصادی غرب تقویت خواهد کرد و بدین ترتیب راه برای حضور قدرتمند ترکیه در اقتصاد صنعتی، تجاری و انرژی ارمنستان و کل قفقاز و حتی آسیای میانه هموارتر خواهد شد. از این‌رو، اگر ترکیه بتواند مناسبات خود را با ارمنستان در چارچوب منافع ملی تمام کشورهای منطقه بهبود ببخشد، در آن صورت شاید بتوان گفت ترکیه کل منطقه را در خود خواهد بلعید. البته، به شرطی که کل منطقه به‌صورت یک مجموعه منسجم عمل نماید. این در حالی است که دیگر کشورهای منطقه نیز با دو جبهه شمالی (روسیه) و جنوبی (ایران) چندان روابط رضایت‌بخشی ندارند. از این گذشته، بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان به دور از منافع دیگر کشورهای منطقه تنها برای ارمنستان سودآور خواهد بود. به عبارتی، نادیده گرفتن منافع دیگر کشورهای منطقه در مسیر عادی‌سازی روابط طرفین با از دست رفتن منافع ترکیه در مناسبات آن با آذربایجان و گرجستان همراه خواهد بود. بدین ترتیب، ترکیه نه تنها در مناسبات خود با ارمنستان بازی را خواهد باخت، بلکه جایگاه فعلی

خود را نیز در منطقه از دست خواهد داد. بنابراین، آنچنان که بیشتر کاشناسان سیاسی نسبت به ارتقاء جایگاه ترکیه در منطقه معتقدند، مسئله به این راحتی نخواهد بود. همچنین، در صورتی که ترکیه بتواند رضایت کل منطقه را جلب نماید، در آن صورت نیز، باز نمی‌توان به دستاوردهای کلان ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کوتاه مدت ترکیه در منطقه امیدوار بود.

شایان ذکر است، تأمین تمامیت ارضی آذربایجان همراه با حل بحران قره‌باغ از مهمترین عوامل تأثیرگذار در سیاست ملی این کشور محسوب می‌شوند. این در حالی است که موضوع قره‌باغ با بازی‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ منطقه و فرامنطقه‌ای گره خورده است و این امر تبعات ناشی از بحران قره‌باغ را با پیچیده‌گی‌های خاص خود روبرو کرده که شاید در نوع خود استثنا باشند. در این راستا، به وضوح می‌توان تصور کرد که بدون در نظر گرفتن منافع آذربایجان، عادی‌سازی روابط ترکیه به‌عنوان بزرگترین همراه و دوست تاریخی آذربایجان با ارمنستان به‌عنوان بزرگترین دشمن تاریخی آذربایجانی‌ها چه تبعاتی می‌تواند در روابط بین دو کشور به همراه داشته باشد. در واقع، اینکه آذربایجان احساس کند در مسئله قره‌باغ از جانب بزرگترین دوست و متحد خود در تنگنا قرار می‌گیرد، از دید روانشناسی ژئوپلیتیکی بزرگترین و سنگین‌ترین بار انزوای ژئوپلیتیکی آذربایجان در دوره بعد از استقلال خواهد بود. البته، منطقی ژئوپلیتیک حکم می‌کند ترکیه به‌دنبال توسعه منافع خود در منطقه است و در این راستا با فدا کردن آذربایجان در مقابل ارمنستان از حوزه منافع خود در منطقه نمی‌کاهد.

از دید قدرت‌های صاحب نفوذ در منطقه نیز پیامدهای احتمالی بهبود روابط ترکیه-ارمنستان با پیچیدگی‌های خاص خود همراه است. برای مثال: از دیدگاه روسیه عادی‌شدن روابط ترکیه-ارمنستان و نیز حل بحران قره‌باغ موجب نزدیکی بیش از پیش آذربایجان و ترکیه به روسیه خواهد بود و این مسئله به میزان قابل‌توجهی از نفوذ غرب در منطقه خواهد کاست. از این گذشته، نقش روسیه در معادلات ژئوپلیتیک انرژی منطقه افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر، از دیدگاه غرب نیز عادی‌شدن روابط ترکیه-ارمنستان و نیز حل بحران قره‌باغ موجب نزدیکی ارمنستان به غرب خواهد بود و این امر جایگاه غرب را در منطقه ارتقاء خواهد داد. به‌علاوه، بهبود مناسبات طرفین کاملاً در جهت طرح‌های کلان اقتصادی غرب در منطقه است. با این حال،

نمی‌شود همزمان شاهد نزول (از دید روسیه) و ارتقاء (از دید غرب) جایگاه غرب در منطقه بود. بنابراین، با بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان شاید شاهد نوعی توازن نفوذ در بین قدرت‌های ذی‌نفع در منطقه باشیم. البته، به شرطی که بهبود مناسبات طرفین با رعایت منافع دیگر کشورهای منطقه همراه باشد. در غیر این صورت، همچنان که قبلاً گفته شد، نه تنها ترکیه پیروز این بازی حساس نخواهد بود، بلکه با جابجایی در یارگیری استراتژیک کشورهای منطقه، غیر از روسیه دیگر کشورهای ذی‌نفع در منطقه نیز بازی را خواهند باخت. در حقیقت، تنها روسیه است که می‌تواند در این بازی حساس با جلب توجهات آذربایجان پیروز واقعی میدان باشد.

۷- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این مقاله بحث شد، منطقه قفقاز جنوبی، بویژه به دلیل موقعیت آن در مسیر انتقال منابع انرژی به اتحادیه اروپا و در زمینه مسائل امنیتی برای اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، اتحادیه اروپا از توسعه روابط بین ترکیه-ارمنستان حمایت می‌کند. از دیدگاه اروپا، این موضوع در مسیر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا برای ترکیه مطرح خواهد شد. آمریکا نیز خواهان حل زودهنگام این مسئله است و در جهت تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی به این موضوع اهمیت ویژه‌ای قائل است. همچنین، روسیه نیز به نوعی در جهت نیل به اهداف استراتژیک خود در قفقاز از عادی‌سازی از این روند حمایت می‌کند. با این حال، به لحاظ منطق ژئوپلیتیکی چنین اجماعی از سوی قدرت‌های بزرگ تنها بعد تاکتیکی دارد و بی‌شک پایداری آن همیشگی نیست.

از دید منافع ترکیه در منطقه، در حال حاضر، ارزیابی مناسبات تجاری کشورهای منطقه از وجود یک شبکه تجاری و اقتصادی بسیار ضعیف در منطقه حکایت دارد. همچنین، شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی ارمنستان نشان می‌دهد که این کشور از پتانسیل اقتصادی چندان قوی برخوردار نمی‌باشد. با این حال، اگر در سایه عادی‌سازی روابط ترکیه-ارمنستان توسعه روابط آذربایجان-ارمنستان را نیز در نظر بگیریم، در این صورت با توجه به نتایج حاصل از بهبود روابط موجود، تقویت گفتمان همکاری در بین کشورهای قفقاز جنوبی و همراه با تأمین ثبات در

منطقه، رشد و تقویت اقتصادهای منطقه و به مرور زمان نیل به یک حجم گسترده در عرصه تجارت منطقه غیرممکن نخواهد بود. بالطبع، در چنین شرایطی دیگر توسعه مناسبات تجاری ترکیه با ارمنستان نباید موجب ناخوشایندی آذربایجان و بویژه گرجستان باشد. به علاوه، در چنین شرایطی با توجه به اهمیت ژئواکونومیکی منطقه برای اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه زمینه برای توسعه سرمایه‌گذاری و رقابت‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ در منطقه بیش از پیش فراهم خواهد شد. هرچند برای تحقق همه این موارد، بویژه بهبود مناسبات دوجانبه ارمنستان با ترکیه و آذربایجان اتخاذ تصمیمات سیاسی کاملاً منسجم، منطقی و در کل مستقل و پایدار و اجرایی کردن آنها ضروری است و لازمه آن حل و فصل تمام موانع موجود می‌باشد.

در کل، به لحاظ ژئوپلیتیکی رویکرد تک‌بعدی به عادی‌شدن روابط ترکیه با ارمنستان با نتایج ناکارآمدی همراه خواهد بود. این موضوع تنها باعث تغییرات تاکتیکی و مقطعی در مناسبات کشورهای قفقاز جنوبی با بازیگران منطقه‌ای و برون منطقه‌ای خواهد بود که با توجه به ماهیت ایدئولوژیک منافع طرفین نمی‌تواند پایدار باشد. از این دیدگاه، منطقه باید به‌عنوان یک مجموعه منسجم در نظر گرفته شود و نتایج به‌دست آمده نیز در این مجموعه مورد ارزیابی قرار بگیرد. عادی‌شدن مناسبات ترکیه-ارمنستان در فاصله زمانی کوتاه یا میان مدت قبل از همه برای اقتصاد ارمنستان و جایگاه منطقه‌ای آن مفید خواهد بود. البته، به لحاظ سیاسی، می‌توان در میان مدت و در صورت تحقق شرایط خاصی که بحث شد، از منافع بلند مدت ترکیه در منطقه نیز صحبت کرد. چون تلاش‌های به‌کار گرفته شده از جانب ترکیه برای برقراری ثبات در منطقه، علاوه بر تقویت وجهه بین‌المللی و منزلت ژئوپلیتیکی ترکیه موجب تقویت نفوذ ترکیه در منطقه قفقاز خواهد بود. همچنین، با این روند یکی دیگر از موانع سیاسی ترکیه در مسیر عضویت در اتحادیه اروپا برطرف خواهد شد.

۸- قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از مساعدت‌های مالی دانشگاه تربیت مدرس در انجام این پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Anadolu (2009); Past and the Future of Turkish-Armenian relations, <http://www.anadolu.eu/ermeni/ermeni.html>. 08.13.2009, [in Turkish].
2. Aras, Bülent & Özbay, Fatih (2009); Turkey and Armenia: Caucasian Policy Between status quo and Normalization, SETA Analiz. No: 1, [in Turkish].
3. Aras, Bülent (2009); what is the situation of Armenia, Sabah, 09.09.2009, [in Turkish].
4. Banihashemi, Mighasem (2009); Power Balance Outlook in Caucasus in the context of Evolution in Turkey-Armenia Relations, Strategic Research Journal, No 46, Pp 115-144, [in Persian].
5. Çandar, Cengiz (2009); Opening Minds, Opening Borders, <http://hurarşiv.hurriyet.com.tr/goster/haber.aspx?id=11538156&yazarid=215>, 29.04.2009, [in Turkish].
6. Caucasus Bulletin (2008); International Studies and Research Institute of Abrar Moaser Tehran, [in Persian].
7. Cohen, Saul. B (1994); Geopolitics in the New world Era, Reordering the World, Edited by G.J. Demko and W.B.Wood, Westview Press, U.S.A.
8. Çomak, İhsan (2009); Problem of The Importance of the International conjuncture About Nagorno-Karabakh Conflict, BİLGESAM, http://www.bilgesam.org/tr/index.php?option=com_content&view=article&id=455:karaba-sorununda-uluslararası-konjonktueruen-oenemi&catid=86:analizler-kafkaslar&Itemid=148. 16.09.2009, [in Turkish].
9. Dadandish, Parvin (2007); Geopolitical discourse in Central Asia: areas of interaction between Iran and Russia, Geopolitics Quarterly. No 7, 75-96, [in Persian].
10. Demirağ, Yelda (2005-2006); South Caucasus Policy, Caucasus Research Journal, No 1, 74-75, [in Turkish].
11. Fakir, Cem (2005); The Armenian Question: Solution, <http://arşiv.ntvmsnbc.com/news/321308.asp>. 07.07.2009, [in Turkish].
12. Güngör, Bayram (2008); Why Opening of Turkey-Armenia border? Geo-economical Overview, International Journal of Economic and Administrative Studies, No 1, pp 11-34, [in Turkish].
13. Hafeznia, Mohammad Reza (2007); Humanist Geopolitics, Geopolitics Quarterly, No 9, Pp 1-4, [in Persian].
14. International Crisis group (2009); Turkey and Armenia: Opening Minds, Opening Borders, Euro Report of Crisis group, No. 199, [in Turkish].

15. Kamer, Kasım (2009); Triangle of Turkey-Azerbaijan-Armenia, www.usak.org.tr/makale.asp?id=955. 04.07.2009, [in Turkish].
16. Koozegar Kaleji, Vali (2009); Improve relations between Turkey and Armenia and its impact on Caucasian developments, Strategic Report, No 295, Tehran: Strategic Research Center, [in Persian].
17. Kyureghian, Gayaneh & Heboyan, Vahe (2004); Opening Armenia-Turkey Border: Measuring the Economic Impact, International Food and Agribusiness Management Association 14th Annual World Food and Agribusiness Forum & Symposium, Montoux, Switzerland.
18. Lütem, Ömer E (2007); Current relations of Turkey and Armenia, Ankara: Ermeni Aşam Publication, [in Turkish].
19. MFA (2009a); Political relations between Armenia and Turkey, <http://www.mfa.gov.tr/turkiyeermenistan-siyasi-ilişkileri.tr.mfa>, 15.12.2009, [in Turkish].
20. MFA (2009b); Protocol on the Establishment of diplomatic relations between Turkey and Armenia, <http://www.mfa.gov.tr/data/DIŞPOLITIKA/türkiye-ermenistan-turkce.pdf>, 25.12.2009, [in Turkish].
21. Ó Tuathail, Gearóid; Dalby, Simon and Routledge, Paul (2001); The geopolitics Reader, Translated by: Mohammad Reza Hafeznia & Hashem Nasiri, Tehran: Publications of Political and International Studies Office, [in Persian].
22. Özbay, Fatih (2011); Turkey-Armenia Relations, BİLGESAM, [in Turkish].
23. Özdal, Barış (2009); Turkish-Armenian Dialogue: Is this the Beginning of a Long Process? *Ortadoğu Analiz*, No 10, Ps 67-75. [in Turkish].
24. Saghafi-e Ameri, Naser & Taghizadeh, Saeed (2008); Pipeline Politics, *Central Asian & Caucasus Research Journal*, No 27. Pp 25-42, [in Persian].
25. Sanberk, Özdem (2009); The Peace Diplomacy, <http://www.radikal.com.tr/Default.aspx?aType=RadikalHaberDetay&Date=14.09.2009&ArticleID=954339>, [in Turkish].
26. Şimşir, Bilal (2005); the Armenian Question (1774 – 2005), Ankara: Bilgi Publication, [in Turkish].
27. The Economist (2008); A Caucasian Cheese Circle.
28. The World Bank (2009); <http://ddpext.worldbank.org/ext/DDPQQ/member.do?method=getMembers&userid=1&queryId=135>, 15.07.2009
29. UN Comtrade (2007); United Nations Commodity Trade Statistics Database, <http://comtrade.un.org/pb/CountryPages.aspx?y=2007>, 06.04.2010.
30. Valigholizadeh, Ali (2010); Study of the Effects of Normalization in Turkey-Armenia Relations in Azerbaijan Relations with Turkey, *Central Asian Research Journal*, No 71, pp 79-106, [in Persian].